

«چندمعنایی» واژگان در سوره بقره

از منظر علامه طباطبایی*

عاطفه پولاد(نویسنده مسئول)**

محسن برقی کار***

چکیده

چند معنایی یعنی یک لفظ در عبارات گوناگون دارای معنایی متعدد باشد. چند معنایی همان اشتراک لفظی است؛ یعنی واژه‌ای در لغت دارای دو یا چند معنا باشد که در تفسیر و معنای آیات الهی و علوم قرآنی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در این پژوهش با روش کتابخانه‌ای و شیوه توصیفی، تحلیلی تلاش شده است تا پدیده چندمعنایی در سوره بقره با محوریت تفسیر المیزان مورد بررسی قرار گیرد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد از نظر علامه طباطبایی، آیات قرآن دارای لایه‌ها و وجوه معنایی گوناگون است که از حیث معنی مراتب مختلفی دارند؛ آیاتی که تحمل معانی متعدد را دارند و آیاتی که به یک معنای خاص تصریح دارند. در سوره بقره واژگان چند معنا با توجه به اشتراک لفظی چون «اثم»، «سبب»، «رؤیت» و «تربص» وجود دارد. علامه در بحث اشتراک لفظی معتقد است که هر لفظ برای یک معنا وضع می‌شود، ولی وجود معانی متعدد برای الفاظ را نیز نفی نکرده و آن را صحیح می‌داند. سیاق هم یکی از شیوه‌های تحلیلی است که در وجوه و نظائر قرآنی تأثیرگذار بوده و حجیت آن امری عقلایی است و تنها قرینه متصل به آیه، سیاق است. علامه در همه جای المیزان از این روش کمک گرفته است؛ از این رو، در همین سوره، واژه «رؤیت» و «تربص» بیانگر بحث چندمعنایی است. واژه‌های «فسق» در مبحث حقیقت و واژگان «قلب» و «اشتراء» نیز با توجه به جنبه مجاز آن بررسی شده است. کنایه نیز سبب چندمعنایی در قرآن کریم در واژگانی چون «مس» و «تدلوا» در این سوره از منظر علامه بیان شده است.

کلید واژه‌ها: اشتراک لفظی، چند معنایی، حقیقت و مجاز، کنایه، علامه طباطبایی، وجوه

و نظایر.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۲/۲۸ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۵/۲۰ - نوع مقاله: علمی، پژوهشی.

** طلبه سطح چهار تفسیر تطبیقی مؤسسه آموزش عالی فاطمه الزهرا^(س) خوراسگان، اصفهان /

atefepoolad13@gmail.com

*** عضو هیات علمی گروه علوم قرآن و حدیث جامعه المصطفی العالمیه نمایندگی اصفهان /

mohsenbarghikar@yahoo.com

مقدمه

چند معنایی واژگان قرآن کریم، یکی از دانش‌های مهم و کاربردی در فهم، ترجمه و تفسیر زبان آیات الهی به شمار می‌رود؛ به گونه‌ای که می‌توان آن را از ضروریات اولیه در ترجمه و تفسیر قرآن دانست و از جمله مسائلی است که در پژوهش‌های قرآنی از اهمیت و آثار فراوانی برخوردار است. از این رو، نظرات متفاوتی را می‌توان در بین صاحب نظران قرآنی و مفسران بزرگ اسلامی مشاهده نمود که مشهورترین و صحیح‌ترین این دیدگاه‌ها پذیرش کاربرد چند معنایی در لغت عرب و قرآن کریم است، بسیاری از مفسران با گرایش‌های متفاوت به تفسیر قرآن روی آورده و هر کدام، قرآن را از منظر خاصی تفسیر کرده‌اند و حتی بسیاری از معانی و نتایج به دست آمده در تفاسیر مختلف، با یکدیگر متفاوت است و انسان در مواجهه با این برداشت‌های مختلف از قرآن، ممکن است متحیر شود که کدام یک از برداشت‌ها و معانی، مراد خدای متعال است و کدام معنا صحیح و کدام برداشت و تفسیر صحیح نیست؟ شناخت چند معنایی در پاسخ این سؤالات معناشناسانه بر اساس ضوابط و قواعدی خاص، مسائل لغوی را تحلیل نموده، تلاش دارد این ابهام را در محدوده معانی واژگان برطرف نماید.

اگر چه نمی‌توان همه ابهامات و مشکلات موجود در فهم قرآن را با این ابزار به سامان رساند، اما با توجه به اینکه فهم معانی واژگان اهمیت بسزایی در فهم متن دارد، این مباحث در حوزه معناشناسی قرآن کریم امری ضروری است، البته باید یادآوری نمود، این دانش تحت عنوان وجوه و نظایر نیز آمده و در همین راستا امام علی علیه السلام وقتی ابن عباس را برای گفتگو و مذاکره به سوی خوارج می‌فرستد، به او توصیه می‌کند: «لا تخاصمهم بالقرآن فانَّ القرآن حمّال ذو وجوه تقول و یقولون و لکن حاججهم بالسنة فإنهم لن یجدوا عنها محیصاً»؛ با آن‌ها با قرآن مخاصمه نکن، زیرا قرآن دارای وجوه مختلف است، تو می‌گویی و آن‌ها هم می‌گویند، پس باسنت با آن‌ها به احتجاج بپرداز که از سنت‌گزینی نخواهند یافت.

این سفارش حضرت یعنی اینکه ابن عباس نباید با قرآن با خوارج احتجاج کند، چون قرآن قابلیت توسعه معنایی را دارد و خوارج ممکن است وجوه معنایی صحیح را نپذیرند.

در موضوع این پژوهش نوشته‌های از مفسرانی همچون محمد طاهر بن عاشور صاحب تفسیر «التحریر و التتویر» وجود دارد و از مفسران معاصر که به این بحث توجه ویژه داشته است می‌توان از آیت‌الله مکام شیرازی نام برد. وی در کتاب اصولی‌اش موسوم به «انوار الاصول»، اشاره‌ای کوتاه به این موضوع در تفسیر قرآن دارد. همچنین علامه طباطبایی با اینکه تفسیر و یا کتاب علوم قرآنی‌اش «قرآن در اسلام» مسئله استعمال لفظ در بیش از یک معنا را به صورت مستقل مطرح نکرده، در تفسیر المیزان معانی باطنی را در طول معانی ظاهری آیات دانسته و آن را بیگانه از قضیه استعمال لفظ در بیش از یک معنا معرفی می‌کند، ولی به طور مجمل یا مفصل به بحث چند معنایی و وجوه و نظایر در کلمات و آیات قرآن پرداخته است. کتاب «چندمعنایی در قرآن کریم» نوشته دکتر طیب حسینی نیز به موضوع چند معنایی در قرآن کریم پرداخته است، ولی بیشتر میدان‌شناسی معنایی انجام داده است.

جدای از کتاب‌های ذکر شده، مقالاتی هم در این زمینه به نگارش درآمده است: مقاله «بررسی ادله موافقان و مخالفان چندمعنایی در قرآن کریم»، نوشته احمد پیرنا و نسرین حسن‌زاده (نشریه الهیات قرآنی، ۱۳۹۶).

مقاله «بررسی وجوه معنایی ماده «کتب» در قرآن بر اساس کتب وجوه و نظایر» (نشریه مطالعات سبک‌شناسی قرآن کریم، ۱۳۹۷).

هر چند محققان در زمینه چندمعنایی پژوهش‌هایی داشته‌اند، اما تفاوت دیگر این نوشتار با پژوهش‌های انجام شده، در این است که محقق سعی کرده تا در پرتو تفسیر المیزان، واژگان چندمعنایی سوره بقره را از حیث اشتراک لفظی، حقیقت و مجاز و کنایه مورد بررسی قرار دهد.

در این پژوهش سعی شده است معناشناسی در کلام علامه طباطبایی به تصویر کشیده شود و اهتمام محقق بر جمع‌آوری واژه‌هایی است که علامه از استدلال‌های وسیع‌تر و تحلیل‌های بهتری استفاده کرده است که این امر در سایر پژوهش‌ها یافت نشد. بدین منظور که تقسیم‌بندی جدیدی در این زمینه صورت گرفته و آن عبارت است از تقسیم‌بندی واژگان چندمعنایی بر اساس حقیقت و مجاز و کنایه و مشترک لفظی.

۱. مفهوم شناسی

تبیین مفهوم لغوی و اصطلاحی کلمات کلیدی، نقش به سزایی در پیشبرد اهداف مورد نظر مباحث دارد، از این رو، مهم‌ترین مفاهیم کلیدی مرتبط با این پژوهش بیان می‌شود.

۱.۱. «وجوه»

«وجوه» جمع وجه، در لغت به معنای روی و چهره هر شیء است. مهتر، حالت، مأخذ و دلیل و آنچه انسان به آن - از عمل و غیر آن - روی می‌آورد، از دیگر معانی این کلمه است. (فیومی، ۱۴۱۴: ۱۰۱/۲۶۴۹)

سیوطی در تعریف اصطلاحی «وجوه» تعریف مستقلی ارائه داده و می‌گوید: «وجوه» لفظ مشترکی است که در چند معنا به کار می‌رود، مانند لفظ «امّه» که به سه معنای «ملت»، «طریقت» و «مدّت» در قرآن آمده است. به عبارت دیگر موضوع علم وجوه، شناختن معانی مختلفی است که یک کلمه در جای‌جای قرآن به آن معانی به کار رفته است. (سیوطی، ۱۳۹۲: ۱/۴۸۷)

وجوه همان معانی کاربردی هر یک از الفاظ در پهنه آیات قرآن است، اعم از آنکه معانی حقیقی باشد یا مجازی یا استعاری یا کنایی یا مصداقی و یا به صورت مشترک لفظی.

۱.۲. نظایر

«نظایر» جمع نظیر در لغت به معنای همانند و مساوی است. (فیومی، ۱۴۱۴ق، ۶۱۲: ۱۰۲) و در اصطلاح، الفاظی است که از نظر معنا با یکدیگر هماهنگ و همتا باشند، مانند الفاظ مترادف که معانی آن‌ها یکسان یا به هم نزدیک است. (سیوطی، ۱۳۹۲ش، ۴۸۷: ۱)

۱.۳. چند معنایی

چند معنایی، یک پدیده زبانی است که هم در کلام روزمره، که هدف، صرفاً ارتباط است، فراوان یافت می‌شود و هم در زبان ادبی دارای سطوح معنایی پیچیده

است. در یک عبارت ساده می‌توان گفت: چند معنایی یعنی اینکه یک واژه بر معانی متعدد دلالت نماید. (سلوی، ۱۳۸۲، ۶۷-۵۶:۱)

در علم معناشناسی تفاوت ظریفی بین چند معنایی و اشتراک لفظی قابل توجه است؛ تعبیر چند معنایی از سوی معناشناسان، شامل اشتراک لفظی نیست. در چند معنایی سخن از رابطه بین دو واژه با یکدیگر نیست، بلکه سخن از یک واژه است که می‌تواند در معانی متعدد به کار برده شود. (پاکتچی، ۱۳۹۲: ۱۸۰) به عبارت دیگر، اگر اصل دو واژه مختلف از هم باشد، آن را مشترک لفظی و اگر هر دو واژه به یک ریشه برگردند آن را داخل در چند معنایی می‌دانیم.

اما زبان‌شناسان، اشتراک لفظی را از علل پدیده چند معنایی در زبان می‌دانند و به همین جهت آن را یکی از اقسام چند معنایی می‌دانند. مثلاً واژه «نجم» به عنوان مشترک لفظی هم به معنای ستاره و هم به معنای بوته به کار رفته و امکان استنباط دو معنا را در آیه فراهم کرده است. (باطنی، ۱۳۷۸: ۲۳۰)

به اعتقاد علامه طباطبایی اصل بر آن است که هر لفظ برای یک معنا وضع شود. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۸۱/۳) اما وجود معانی متعدد برای الفاظ نیز نفی نشده، بلکه آن را صحیح می‌داند. (همان، ۱۵/۶)

یکی از قراین تعیین معنای مشترک لفظی، توجه به استعمالات قرآنی و کاربردهای لفظ در قرآن کریم است. گاهی از اوقات اصلاً نیازی نیست که مفسر، خود را بین معانی متعدد یک لفظ مشترک سر در گم کند تا بتواند تفسیر مناسبی برای آیه بیابد؛ زیرا از بین معانی گوناگون آن واژه بعضی از معانی اصلاً در قرآن کاربرد نداشته‌اند و فقط لازم است تعداد کمی از احتمالات بررسی شود. مثلاً علامه ذیل آیه ﴿إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يُفْتِنَكُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا﴾ (نساء: ۱۰۱) در بیان معنای واژه ی «فتنه» می‌نویسد: هر چند واژه معنای گوناگونی دارد، اما آنچه از اطلاق آن در قرآن به ویژه درباره کافران و مشرکان معهود است، همان معنای شکنجه، یعنی کشتن و زدن است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۶۱/۵) همچنین علامه، «مجاز» را به عنوان یکی از بسترهای چند معنایی لفظ می‌پذیرد، ولی حمل بر مجاز را در صورتی صحیح می‌داند که نتوان مفهوم را بر حقیقت حمل کرد. (همان: ۱۱۰/۱۳)

علامه، نقش استعاره را در مشترک لفظی نفی نکرده است. وی درباره معنای واژه‌ی «ید» معتقد است با اینکه بسیاری از علمای لغت برای این واژه معنای زیادی غیر از «دست» از جمله قدرت، قوت، نعمت و ملک را ذکر کرده‌اند، اما در حقیقت، اصل این کلمه فقط برای معنای «دست» وضع شده و در سایر معانی فقط به صورت استعاره استعمال شده است، زیرا هر کدام از این معانی اموری هستند که هر یک به نوعی با دست ارتباط پیدا می‌کنند، بنابراین معنای این کلمه در آیات قرآن بر حسب اختلاف مورد، متفاوت است. (همان: ۳۴/۶)

علامه معتقد است معنای کنایی الفاظ یکی از مجاری چند معنایی است و چنانچه بتوان لفظی را بر دو معنای حقیقی و کنایی حمل کرد، باید کنایه را از مصادیق اشتراک لفظی به شمار آورد. (همان: ۲۲۷/۵) اما علامه حمل لفظ مشترک بر چند معنا به صورت هم‌زمان را ممنوع دانسته و استعمال یک لفظ در چند معنا را به طوری که آن معانی در عرض یکدیگر باشند، جایز نمی‌داند. (طباطبایی، بی‌تا: ۴۸-۴۹)

۲. چند معنایی بودن زبان قرآن

زبان قرآن کریم، زبانی با معنای چند لایه و چند بطنی است که از جنبه‌های اعجاز آن به حساب می‌آید. بر اساس روایات، قرآن کریم در هفت یا در بعضی دیگر از روایات هفتاد بطن معنایی است که از دیرباز نگاه قرآن‌پژوهان را به خود جلب کرده و تلاش‌های زیادی از جهت کشف معانی آن انجام داده‌اند. بنابراین از مباحث مهم زبان‌شناسی در زمینه معناشناسی، اصطلاح «چند معنایی» است.

۳. وجوه و نظایر در علوم قرآنی و مفردات و تفسیر

دانش وجوه و نظایر جایگاه مهمی در علوم قرآنی دارد. این علم جزو علوم قرآنی محض است. از آنجایی که موضوع علم وجوه و نظایر، واژگان قرآنی است که از نظر معانی متفاوت و مترادف است، وجوه و نظایر جزو علوم قرآنی محض به شمار می‌رود. این دانش، یکی از شاخه‌های مفردات قرآن بوده و علم مفردات یکی از دانش‌های قرآنی است. (خرمشاهی، ۱۳۷۷: ۲/ ۲۲۹۸)

علم مفردات یا واژه‌شناسی قرآن، دانشی است که درباره تک واژه‌های قرآنی از نظر ریشه، اشتقاق لغوی، دلالت بر معنای مطلوب، مناسبات و نوع کاربرد آن در قرآن بحث می‌کند. به این صورت که هرگاه شخصی معنای واژه‌ای از واژگان قرآنی را نمی‌داند، با مراجعه به کتاب‌های لغوی - مانند مفردات راغب اصفهانی - می‌تواند معنا، ریشه، موارد اشتقاقی و نوع کاربرد آن را بشناسد. (همایی، ۱۳۹۳: ۲۴)

از سویی دیگر در دانش مفردات، بحث می‌شود که این معنای متفاوت که برای یک لفظ واحد استعمال شده‌اند، چه ارتباطی با معنای اصلی دارند؟ مثلاً لفظ «رحمت» که در معنای ایمان، بهشت، نعمت، نبوت، روزی، عافیت و... به کار رفته است (تفلیسی، ۱۳۶۰: ۱۱۲) آیا این معنای واحدی باز می‌گردند یا چنین چیزی امکان‌پذیر نیست؟ و اگر به معنای واحدی باز می‌گردند، چه علاقه‌ای بین معنای اصلی و معنای برگرفته از آن وجود دارد؟ در مورد ارتباط وجوه و نظایر با تفسیر نظرات متفاوتی وجود دارد. (معرفت، بی‌تا: ۴۱۶/۵)

برخی معتقدند وجوه و نظایر جزو دانش تفسیر است، درحالی‌که مشخصاً وجوه و نظایر و تفسیر مستقل از یکدیگرند. تفسیر، علمی است که در آن از سخن خدا (قرآن) از جهت دلالت آن بر مراد حق تعالی بحث می‌شود. (طریحی، ۱۳۶۷: ۴۰۱/۳)

۴. جایگاه معانی مجازی و مصادیق در وجوه معانی

سخن این است که آیا کاربرد استعمالی لفظ در معنای مجازی ممکن است یا نه؟ و بر فرض امکان آیا مقصود دانشمندان علم وجوه و نظایر از معنای، موضوع له الفاظ است یا آنکه اعم از حقیقت و مجاز است؟

در پاسخ سؤال اول بعضی گفته‌اند مجاز بودن قرآن محال است، زیرا مجاز زمانی استفاده می‌شود که نتوان مقصود را به وسیله معنای حقیقی رساند، درحالی‌که خداوند قادر مطلق است. همچنین مجاز نوعی کذب است که این هم از ساحت قدس الهی به دور است، اما این پاسخ قابل قبول نیست، زیرا کاربرد مجاز در ناتوانی از آوردن حقیقت نیست، بلکه به جهت زیبایی و بلاغت کلام است. بلیغان اتفاق نظر دارند که مجاز از حقیقت رساتر است و اگر مجاز در قرآن صحیح نباشد،

لازمه اش این است که تأکید یا حذف برخی کلمات به دلیل وجود قرینه، در قرآن انکار شود. (کوثری، ۱۳۹۴: ۵۸/۱)

اما درباره پاسخ سؤال دوم به نظر می‌رسد که منظور از اشتراک و کلمه «وجوه» در مباحث مربوط به وجوه و نظایر در قرآن کریم، اعم از معنای حقیقی و مجازی باشد، زیرا منظور از اشتراک الفاظ قرآنی این است که یک لفظ کاربردهای معنایی مختلف داشته باشد، اگر چه یکی مجازی باشد. (همان) سؤال دیگری که ممکن است مطرح شود این است که آیا کاربرد یک لفظ در موارد متعدد، فقط از باب کاربرد یک لفظ در معانی متعدد است یا ممکن است به لحاظ مصادیق نیز مختلف باشد.

برای فهم بهتر، ابتدا تعریفی از «مفهوم» و «مصدق» بیان می‌شود؛ گاه مفهوم در مقابل منطوق به کار می‌رود، در این صورت یک اصطلاح اصولی است و منظور از آن دلالت التزامی است که از منطوق استفاده می‌شود. گاه مفهوم در مقابل مصداق است که همین کاربرد مورد نظر در این بحث است. مفهوم در این کاربرد، یعنی صورتی از لفظ که در ذهن ترسیم می‌شود و در مقابل آن، مصداق است که همان حقیقت خارجی و بیرون از ذهن است. مثلاً وقتی نام محمد شنیده می‌شود، آن صورت ذهنی که از لفظ محمد در ذهن نقش می‌بندد، مفهوم آن است و وجود خارجی آن، مصداقش است. (مظفر، ۱۴۳۶: ۲۱۵/۱)

۵. اقسام وجوه

وجوه را می‌توان به قسم حقیقی، مجازی، تقسیم کرد. وجه مجازی، خود علاوه بر مجاز، شامل استعاره و کنایه نیز می‌شود.

۵.۱. وجه حقیقی

اگر واژه‌ای در چند معنای اصلی و حقیقی به طور مستقل و غیر قابل جمع با جایی دیگر در قرآن به کار رفته باشد، همه وجوه معنایی آن واژه، وجه حقیقی به شمار می‌روند. برای مثال، واژه «نجم» در آیه «النَّجْمُ الثَّاقِبُ» (طارق: ۸۶) به معنای ستوده است. (نفلیسی، ۱۳۶۰: ۲۸۴) یکی دیگر از وجوه حقیقی «نجم» در آیات قرآن، نجم به معنای بوته و گیاه است. مانند آیه ﴿وَ النَّجْمُ وَ الشَّجَرُ

یَسْجُدَانِ ﴿۶﴾ (الرحمن: ۶) و گیاه و درخت سجده می‌کنند. (طبرسی ۱۳۷۲: ۱۳/۷ و ۱۰)

۵. ۲. وجه مجازی

وجه مجازی شامل مجاز، استعاره و کنایه می‌شود. «مجاز» در اصطلاح لفظی است که در غیر آنچه در اصطلاح مخاطب برای آن وضع شده، استعمال شده است و این استعمال به خاطر پیوند و مناسبتی است که بین معنای حقیقی و مجازی وجود دارد و همراه با قرینه‌ای است که مانع از اراده معنای وضعی و حقیقی آن می‌شود. (هاشمی، بی تا: ۲۳۶)

«کنایه» از آن جهت که در غیر معنای حقیقی خود به کار می‌رود، جزو وجه مجازی محسوب می‌شود. (هاشمی، بی تا: ۲۳۶) کنایه در اصطلاح، لفظی است که معنایی غیر از آنچه برای آن وضع شده است از آن اراده شده و اراده معنای اصلی آن هم جایز است؛ چون قرینه باز دارنده از اراده معنای اصلی وجود ندارد. (همان: ۲۸۳) بر این اساس، سه نوع کاربرد مجازی در وجوه واژگان قرآن وجود دارد؛ مجاز مفرد مرسل، استعاره و کنایه.

۶. گستره و اقسام چند معنایی در قرآن

برای چند معنایی واژه‌ها و آیات قرآن کریم، اقسام مختلفی وجود دارد. هر یک از این اقسام وجهی از وجوه چند معنایی قرآن کریم به شمار می‌روند. این اقسام عبارت‌اند از:

۶. ۱. مشترک لفظی و معنوی

اصلی‌ترین و اولین معیار تعدد معنا و موضوع چند معنایی، وجود الفاظ مشترک در لغت و زبان است، وجود اشتراک لفظی در لغت امری مسلم و مشهور بوده (عاملی، ۱۴۱۰: ۹۶)، در عین حال مخالفانی نیز داشته است. (طیب حسینی، ۱۳۸۸: ۸۹)

واژگان مشترک یکی از پدیده‌های زبانی است که مترجمان قرآن در ترجمه آیات، ناگزیر با آن‌ها مواجه هستند. الفاظی که در ظاهر یکسان هستند، اما در جملات مختلف، در معانی متفاوت به کار رفته‌اند.

عنوان «وجوه» که کاربردش به قرن اول هجری برمی‌گردد، مفهوم عامی است که این واژگان را در بر می‌گیرد. (معینی کوهی و حجت، ۱۳۹۳)

به عبارت دیگر می‌توان گفت: تردیدی نیست هر واژه‌ای که در زبان کاربرد دارد، دارای معنای حقیقی است و چنانچه برای یک لفظ چند معنای حقیقی وجود داشته باشد، آن را مشترک می‌نامند. (طیب حسینی، ۱۳۸۸: ۱۱۱) به نظر علامه طباطبایی اصل این است که هر لفظ برای یک معنا وضع شود، ولی وجود معانی متعدد برای الفاظ را نیز نفی نکرده و آن را صحیح می‌داند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۸۱/۳)

۲.۶. حقیقت و مجاز

گاهی یک لفظ فقط یک معنای حقیقی دارد، ولی به علت وجود تشابه، آن لفظ را به صورت مجازی در معنای دیگری هم به کار می‌برند، مانند استعمال لفظ «اسد» که به معنای شیر است در مرد شجاع. (جعفری، ۱۳۷۷: ۱۰) بنابراین معنای مجازی در کنار معنای حقیقی می‌تواند بستر چند معنایی باشد. (طیب حسینی، ۱۳۸۸: ۱۲۷) درباره وقوع حقیقت و مجاز در قرآن نیز در اینکه الفاظ حقیقت در قرآن واقع شده، اختلافی وجود ندارد، اما در مورد مجاز، جمهور عقیده دارند که آن نیز در قرآن واقع شده است و فقط عده‌ای آن را انکار کرده‌اند. (سیوطی، ۱۳۹۲: ۱۲۱/۲)

۳.۶. کنایه و استعاره

یکی دیگر از مباحث مرتبط با بحث چند معنایی، معنای «کنایه» است. همان طور که در مفهوم‌شناسی واژه کنایه بیان شد، کنایه آن است که متکلم لفظی را به کار برد که می‌توان آن را به معنای حقیقی آن گرفت، ولی معنای مجازی آن مورد نظر است؛ به عبارت دیگر کنایه عبارت است از ذکر ملزوم و اراده لازم و اما استعاره نوعی تشبیه است که کلمه‌ای را از یک معنای معروف، در معنای غیر معروف

استعمال می‌کنند، مانند استعمال کلمه «ام» که به معنای مادر است در مفهوم اصل و ریشه در آیه «وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِيَّ حَكِيمٌ». (زخرف: ۴)
 از این طریق نیز الفاظ معانی فراوانی پیدا می‌کنند و وجوه و نظایر به وجود می‌آید. (جعفری، ۱۳۷۷: ۱۰ و ۱۱)

۷. سیاق

نظر به اهمیت و نقش سیاق در این زمینه لازم است جایگاه آن در وجوه قرآن شناخته شود. از نظر اصطلاحی، دانشمندان علوم قرآن و همچنین علمای فقه و اصول در مورد سیاق زیاد سخن گفته‌اند؛ (ر.ک: زرکشی، ۱۴۱۰: ۲/۳۳۵؛ صباغ، ۱۴۰۸: ۳۱۹) اما این دانشمندان تعریف دقیقی از سیاق ارائه نداده‌اند و حتی در تعریف‌های کمی هم که ارائه شده، کاستی‌هایی دیده می‌شود که با موارد استعمال این واژه در آثار دانشمندان سازگاری ندارد. مثلاً آیت‌الله معرفت به عنوان قرآن‌پژوه در تعریف سیاق می‌نویسد: قرآن به تدریج در مناسبت‌های مختلف نازل گردید و گاهی مجموعه‌ای از آیات به مناسبتی مخصوص نازل می‌گردید که لازمه آن وجود ارتباط ذاتی بین آن مجموع آیات است، این ارتباط را در اصطلاح، سیاق آیه می‌گویند. (معرفت، بی‌تا: ۵/۲۳۹)

تعریف مذکور دارای ابهام است، زیرا اولاً محدوده ارتباط ذاتی بین آیات بیان نشده که در این صورت هم قرینه حالیه و هم قرینه لفظیه را شامل می‌شود، ثانیاً فصل منطقی تعریف که همان قرائن پیوسته لفظی است و شامل کلمات، جملات و یا آیات می‌شود در این تعریف دیده نمی‌شود. بنابراین، تعریف مذکور از طرفی جامع افراد است، زیرا با بیان ارتباط ذاتی بین آیات تمام قرائن وارد تعریف می‌شود، ولی مانع اغیار نیست، زیرا با بیان قرائن پیوسته لفظی محدوده تعریف را ضیق نکرده است. (ستوده‌نیا و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۶-۶۵)

همچنین سیاق عبارت است از کیفیت قرار گرفتن کلمات، جملات، یا آیات در کنار هم، به گونه‌ای که از نوع چینش آن‌ها مفهومی به دست آید که از ظاهر کلام حاصل نمی‌شود، بلکه از لوازم عقلی آن است. البته سیاق به این معنا فقط اختصاص به قرآن ندارد، بلکه در هر سخنی می‌تواند وجود داشته باشد، مانند وقتی که گفته

می‌شود: «اذهب الی البحر و استمع الی حدیثه باهتمام»، که سخن مردد است بین اینکه معنای حقیقی «بحر» مراد است که دریا باشد یا معنای مجازی آن که مرد دانشمند است. پاسخ این است که چون «اذهب الی البحر» به همراه جمله «استمع الی حدیثه باهتمام» آمده، یعنی نزد مرد دانشمند برو و اگر به تنهایی ذکر شده بود یعنی به دریا برو. (رجبی، ۱۳۹۳: ۸۶)

در میان مفسران شیعه و عامه، علامه طباطبایی به کارگشایی سیاق در پرده‌برداری از آیات شریفه بیشتر توجه کرده و از سیاق آیات برای بیان لغات، ترکیب آیات، ترجیح قرائات، نقداحدیث، بیان محدوفات، ترتیب نزول آیات، مکی و مدنی بودن آیات شریفه، ترتیب سُور، ردّ آرای مختلف تفسیری، ترجیح اقوال تفسیری، نقد پاره‌ای از ترکیبات ادبی، بیان مرجع ضمیرها و نقد آرای کلامی و... استفاده کرده است. (ربانی، ۱۳۸۰: ۳۳۸)

۸. امکان وقوع چند معنایی در زبان عرب

استدلال‌هایی که درباره رد یا قبول چند معنایی به ویژه در حوزه الفاظ قرآن شده است، در کتاب‌های اصول فقه و تحت عنوان «استعمال لفظ در بیش از یک معنا» یا «حمل لفظ بر همه معانی اش» یافت می‌شود و کمتر در کتاب‌های تفسیری در این مورد، استدلال دیده می‌شود. به همین دلیل در این قسمت فقط چهار دیدگاه عمده که ارتباط بیشتری با آیات قرآن دارد، بیان شده و دیدگاه مورد قبول توضیح داده می‌شود.

دیدگاه اول این است که استعمال لفظ در بیش از یک معنا نه جایز است و نه ممکن، تفاوت عدم جواز و عدم امکان در این است که عدم امکان یک حکم عقلی است، ولی عدم جواز، نهی است، یعنی وقتی گفته می‌شود که عملی جایز نیست به این معنا نیست که آن عمل ممکن نیست، بلکه به این معنا است که نباید انجام شود و یا شایسته انجام دادن نیست. (طیب حسینی، ۱۳۸۸: ۱۵۳) دیدگاه دوم این است که استعمال لفظ در بیش از یک معنا، از نظر عقل امکان‌پذیر بوده، ولی در کلام و زبان عرب واقع نشده است، زیرا خلاف عادت رایج بین اهل زبان است. (غزالی، ۱۴۱۳: ۲/۷)

دیدگاه سوم این است که استعمال لفظ در بیش از یک معنا، از نظر عقل امکان پذیر بوده، در زبان عرب نیز چنین کاربردی رواج دارد، ولی در کتاب و سنت وجود ندارد. از طرفداران این دیدگاه سید مصطفی خمینی است و دلیل ایشان براین مطلب این است که این نوع استعمالات دارای ابهام است، درحالی که سخن خداوند از ابهام‌گویی منزّه است.

همچنین آیات قرآن در مقام تشریح احکام و قوانین و برای ارشاد و راهنمایی انسان نازل شده، پس لازم است از هرگونه استعمال مبهم و دو پهلوخالی باشد، ولی در این نوع استعمالات اگر قرینه قطعی وجود داشته باشد، پذیرفتن آن مشکلی ندارد. (ر.ک: امام خمینی، ۱۴۱۸: ۳۰۱)

باید گفت اشکال این دیدگاه این است که در قرآن لفظی مجمل و مبهم وجود ندارد، مگر نسبت به دستورهای کلی عبادی و غیرعبادی مانند نماز، روزه، حج و... که تبیین آن‌ها بر عهده پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گذاشته شده است. در غیر این موارد، فهم آیات قرآن در زمان نزول برای مخاطبان اولی قرآن، روشن بوده است و اگر هم مواردی وجود داشت که دارای ابهام بود با تبیین رسول خدا صلی الله علیه و آله آن ابهام برطرف می‌شد، اما برای مخاطبان بعدی قرآن یعنی مردم پس از عصر نزول، ممکن است الفاظ و آیاتی از قرآن، مجمل جلوه کند، بنابراین اجمال در آیات را که ناشی از اشتراک در لفظ یا عبارت می‌باشد، باید امری نسبی دانست، چه بسا لفظی برای یک فرد مجمل باشد، ولی برای فرد دیگر، مجمل نباشد.

بنا بر توضیحاتی که داده شد این نظر که: «آیات مشترک مجمل خواهد بود» قابل قبول نیست، بنابراین یا باید در جستجوی قرائن بود و معنای مشخصی از الفاظ قرآن را به دست آورد و یا در صورتی که تضاد و تنافی بین دو معنا وجود نداشته باشد باید لفظ مشترک را بر هر دو معنایش با هم حمل کرد. البته این بدین معنا نیست که هر لفظ یا عبارتی از قرآن را که دارای چند احتمال معنایی است، بتوان بر همه معانی اش حمل کرد و اساساً همین وجوه مختلف معنایی اصلی‌ترین عامل برای ایجاد پدیده تشابه در قرآن بوده است. بنابراین برای اعتبار و حجیت چنین دلالت‌هایی اول آنکه، شرایطی لازم است و دوم آن که، محدودیت‌هایی نیز وجود دارد. (طیب حسینی،

با توجه به دیدگاه چهارم، چند معنای یا استعمال لفظ در بیش از یک معنا در لغت و کلام عرب و در قرآن واقع شده است.

امام خمینی در «تهذیب الاصول»، دلیل بر جواز استعمال لفظ در بیش از یک معنا را وقوع آن در کلمات ادبا و شعرا و همچنین عدم تمامیت دلیل مخالفان این نوع استعمال دانسته است. (سبحانی، ۱۴۰۵: ۹۴) بنابراین نمونه‌هایی از استعمال لفظ در بیش از یک معنا دلیل اصلی موافقان است. روشن‌ترین و مشهورترین این نمونه‌ها عبارت است از آیه ۵۶ سوره مبارکه احزاب: ﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ...﴾؛ به یقین خداوند و فرشتگان بر پیامبر ﷺ درود می‌فرستند. (احزاب: ۵۶) در این آیه فعل «يُصَلُّونَ» با یک بار استعمال به دو معنا به کار رفته است، یکی نسبت به خدا که به معنای ایجاد رحمت است و دیگری به معنای درخواست رحمت که به فرشتگان انتساب می‌یابد. (طیب حسینی، ۱۳۸۸: ۱۷۳-۱۷۴)

خلاصه بحث اینکه چند معنایی یعنی واژه‌ای دارای چند معنا بوده، در هر کاربردی در یکی از معانی‌اش به کار رفته باشد. چند معنایی به دلیل وجود اشتراک معنوی و لفظی، حقیقت، مجاز، کنایه، استعاره و... در زبان عربی به وجود می‌آید که نظر اندیشمندان درباره آن متفاوت است.

بعضی مخالف چند معنایی بوده‌اند؛ اما در مقابل بعضی با آن موافق بوده، آیاتی را نیز به عنوان «استعمال لفظ در بیش از یک معنا» تفسیر کرده‌اند. علامه طباطبایی نیز چند معنایی یا استعمال لفظ در بیش از یک معنا در لغت و کلام عرب را بلا مانع می‌داند، اما استعمال لفظ چند معنا را در بیش از یک معنا جایز نمی‌داند.

۹. آیات مشتمل بر واژگان چند معنایی با توجه به اشتراک لفظی و کنایه و حقیقت و مجاز

در این قسمت، وجوه مهم‌ترین واژگان در سوره بقره بر مبنای انتخاب واژگان چند معنا با محوریت تفسیر المیزان بیان می‌شود. به این صورت که ابتدا واژه و سپس آیه‌ای که واژه مورد بحث در آن ذکر شده بیان می‌گردد، سپس ترجمه آن از آقای موسوی همدانی (ترجمه المیزان) بیان شده، در ادامه و جوهی که علامه ذکر کرده‌اند

با بیان نمونه‌های قرآنی و شواهد تفسیری بیان می‌شود و در صورت ذکر وجوهی دیگر در کتب معتبر، آن‌ها نیز ذکر می‌شوند.

۹.۱. اشتراک لفظی

قدر مشترک تعریف‌های اشتراک لفظی این است که یک لفظ بیش از یک معنای حقیقی داشته باشد. اشتراک لفظی یکی از علت‌های پدیده چند معنایی در زبان است.

أ) رؤیت: ﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ﴾. (بقره: ۲۴۳)

در این آیه، کلمه «رؤیت» که در اصل، مصدر فعل «تری» و به معنای دیدن است، به معنای، علم هم استعمال شده است. علت اینکه از علم به رؤیت تعبیر شده برای این است که بفهماند مطلب آن قدر روشن است که می‌توان آگاهی از آن را، دیدن نامید. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲/ ۲۷۹) بنابراین واژه «رؤیت» در دو معنای حقیقی دیدن و علم به کار رفته و دارای اشتراک لفظی است.

ب) تریص: ﴿وَالْمُطَلَّقَاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ...﴾؛ زنان طلاق گرفته، تا سه پاکی منتظر بمانند. (بقره: ۲۲۸)

معنای اصلی «ربص»، انتظار کشیدن است. (مصطفوی، ۱۴۳۰، ۴: ۲۹) راغب می‌گوید «تریص» انتظار کشیدن برای چیزی است، مثل انتظار کشیدن برای گرانی یا فراوانی متاع یا برای امری که حصول و یا زوال آن محل انتظار است. «قُلْ هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنَا إِلَّا إِحْدَى الْحُسَيْنَيْنِ» (توبه: ۵۲) بگو آیا برای ما جز یکی از دو نیکی انتظار می‌کشی. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۳۸)

علامه به صراحت بیان کرده است که واژه «تریص» مشترک بین دو معنای «انتظار» و «حبس» است و فرمودند، از همنشینی آن با قید «أَنْفُسِهِنَّ» سبب شده است بر معنای تمکین به مردان و حبس نسبت به ازدواج در مدت عدّه طلاق دلالت کند. علامه به صراحت بیان کرده است که واژه «تریص» مشترک بین دو معنای «انتظار» و «حبس» است، یعنی زن مطلقه در زمان عدّه نباید نسبت به هیچ مردی تمکین کند و نباید ازدواج با کسی را هم بپذیرد. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۲: ۲۳۰)

ج) ﴿وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ﴾. (بقره: ۲۴۸)
 أصل «آیه»، «أُويَّة» به فتح «و» - که حرف دوم اصلی آن است - می‌باشد و نسبت
 آن (أُويِّي) بعضی گفته‌اند اصل آن بر وزن «مفاعله» می‌باشد که حرف دوم یا آخر
 آن به لحاظ تخفیف حذف شده و اگر به صورت کامل بیاید، «آییه» می‌شود. معنی
 آیه از کتاب خدا عبارت است از گروهی حروف و کلمات، چنان که گفته‌اند: «خرج
 القوم بآيتهم، یعنی بجماعتهم، همگی خارج شدند و هیچ کس را جا نگذاشتند و
 آیه در جای دیگر به معنی علامت است». (ابن اثیر جزری، ۱۳۶۷: ۱/۸۷-۸۸)
 معنی «آیه» در اصطلاح قرآن به صورت مفرد و مثنی و جمع مختلف ذکر شده
 است.

۱. نشانه و علامت: ﴿إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ﴾؛ نشانه حکومت او، این
 است که به سوی شما خواهد آمد. (بقره: ۲۴۸)

۲. معجزه: ﴿فَقُلْنَا اضْرِبُوهُ بِبَعْضِهَا كَذَلِكَ يُحْيِي اللَّهُ الْمَوْتَىٰ وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ...﴾؛
 قسمتی از گاو را به مقتول بزنید! (تا زنده شود، و قاتل را معرفی کند). خداوند این
 گونه مردگان را زنده می‌کند؛ و آیات خود را به شما نشان می‌دهد. (بقره: ۷۳)
 علامه معتقد است «آیه» در اینجا با توجه به سیاق به معنای «معجزه» است و هر
 معنای دیگری مثل بیان حکمی از احکام با سیاق سازگاری ندارد. (طباطبایی،
 ۱۴۱۷: ۲۰۲/۱)

۳. بیینه و دلیل: ﴿وَلَسِنِ أَتَيْتَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ بِكُلِّ آيَةٍ مَا تَبِعُوا قِبْلَتَكَ﴾. (بقره:
 ۱۴۵)

این جمله برای سرزنش اهل کتاب است که هر چه هم دلیل و برهان برای آن‌ها
 بیاوری آن‌ها از قبله تو پیروی نخواهند کرد. بنابراین سیاق، معنای دلیل و برهان را
 برای «آیه» نشان می‌دهد.

۴. قرآن و کتب مقدس دیگر: ﴿وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ...﴾. (بقره: ۹۹)
 در اینجا به قرینه سیاق «انزلنا» کلمه «آیه» به معنای کتاب قرآن است.
 د) اثم: ﴿فَمَنْ بَدَّلَهُ بَعْدَ مَا سَمِعَهُ فَإِنَّمَا إِثْمُهُ عَلَى الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ
 عَلِيمٌ﴾.

لغت پژوهان برای واژه «إثم» معانی مشترکی ذکر کرده‌اند، از جمله اینکه «الإثم و الأثام اسمی است برای افعالی که مانع رسیدن به ثواب و پاداش است. تسمیه «إثم» به دروغ برای این است که دروغ از جمله گناهان است.» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۳/۱) از آنجا که واژه اثم در دو معنای حقیقی «دروغ» و «کاری که مانع رسیدن ب ثواب و پاداش است» به کار رفته است، پس این واژه در این دو معنای دارای اشتراک لفظی است.

«إثم» کاربردهایی دارد که در زیر به مهم‌ترین آن‌ها از منظر علامه طباطبایی اشاره می‌شود:

أ) «إثم» به معنی گناه: ﴿...فَمَنْ أَضْطَرَّ غَيْرِ بَاغٍ وَ لَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ﴾؛ (بقره: ۱۷۳)

علامه طباطبایی برای واژه «باغی»، مصداق‌هایی را با توجه به روایات بیان می‌کند، از جمله: در تفسیر عیاشی از امام صادق علیه السلام روایت آورده که فرمود: «باغی، ظالم و عادی، غاصب است»؛ و از حماد از آن جناب روایت کرده که فرمود: «باغی آن کسی است که بر امام خروج کند و عاری از اوست». (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۴۲۶/۱-۴۲۷)

علامه ذیل این روایات می‌نویسد: «همه این روایات از قبیل شمردن صدق است و همه آن‌ها معانی را که ما از ظاهر لفظ آیه استفاده کردیم تأیید می‌کند». (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۴۲۷/۱) یعنی علامه طباطبایی با توجه به روایات واژه «إثم» را در این آیه در معنای حقیقی خود یعنی «گناه» به کار برده است.

ب) «إثم» به معنای باطل و غیر حق: ﴿... مِنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾؛ (بقره: ۱۸۸)

این آیه یک غرض و منظور را بیان می‌کند و آن نهی کردن از مصالحه بین «راشی» و «مرتشی» برای خوردن مال مردم است؛ یعنی بخشی از مال به صورت رشوه به قضات داده شود تا بقیه مال را در تملک آن‌ها قرار دهند. قرآن می‌گوید اگر چه ظاهراً در اینجا به حکم قاضی مال را به دست آورده‌اید، ولی این کار آکل به باطل است و حقی در آن ندارید.

برداشت علامه از این آیه می‌تواند از روایاتی باشد که از اهل بیت علیهم‌السلام وجود دارد؛ به عنوان مثال در «کافی» از امام صادق علیه‌السلام در تفسیر این آیه روایتی نقل شده که حضرت فرمود: «مردم بر سر مال و حتی ناموس خود قمار می‌کردند و خداوند آن‌ها را از این کار نهی کرد». (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۵۲/۲)

بنابراین واژه «اثم» در تمام معانی ذکر شده دارای معنای حقیقی بوده و مشترک بین معانی دروغ، گناه، زنا، نافرمانی و سرکشی، خطا و باطل و غیر حق می‌باشد.

۲.۹. کنایه

یکی دیگر از مباحث مرتبط با بحث چندمعنایی، معنای «کنایه» است. «کنایه» عبارت است از واژه‌ای که از آن لازم یا ملزوم معنای حقیقی اراده شود. (تفتازانی، ۱۴۲۴: ۴۰۷)

أ) تَدُلُّوْا: ﴿وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ وَتُدُلُّوْا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِيَأْكُلُوا فَرِيقًا مِنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾. (بقره: ۱۸۸)

از دیدگاه ابن عاشور، معنای اصلی و حقیقی واژه «إدلاء»، انداختن سطل در چاه است، ولی در این آیه از باب مجاز به معنای «توسل» و «رفع» به کار رفته است. (ابن عاشور، بی‌تا: ۱۸۷/۲) بنابراین، این واژه، مشترک بین دو معنای حقیقی و مجازی است (عمادی الهیاری، ۱۳۹۵: ۵)، ولی علامه این واژه را کنایه می‌داند و می‌نویسد:

کلمه «تدلوا» مضارع باب افعال است (ادلا)، و ادلا به معنای آویزان کردن دلو در چاه برای بیرون کشیدن آب است. این کلمه به عنوان کنایه برای رشوه دادن به حکام به کار می‌رود تا حکام طبق میل انسان رأی دهند. این کنایه‌ای لطیف است تا بفهماند مثل رشوه دهنده، مثل کسی است که با دلو، آب را از چاه بیرون می‌آورد. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۵۲/۲)

با توجه به توضیحات بالا به دست می‌آید که معنای اصلی «إدلاء» انداختن سطل در چاه است، ولی گاهی در معنای مجازی «توسل» به کار رفته و گاهی هم از آن معنای کنایی «رشوه دادن» برداشت شده است.

۳.۹. حقیقت

«حقیقت» در لغت از «حقی الشی» به معنای ثابت، پا برجا و محکم است و در اصطلاح به معنای کلمه‌ای است که در معنای موضوع له و اصلی خود به کار رفته باشد. (تفتازانی، ۱۴۲۴: ۵۶۷)

أ) فسق: ﴿فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ فَأَنْزَلْنَا عَلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا رِجْزًا مِّنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ﴾. (بقره: ۵۹)

علامه برای فسق چند وجه بیان کرده است. ایشان در آیه ﴿وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَمَا يَكْفُرُ بِهَا إِلَّا الْفَاسِقُونَ﴾ (بقره: ۹۹)، فسق را به معنی کفر به آیات الهی گرفته‌اند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲/۲۳۰) [به نظر می‌رسد «فسق» در این آیه در معنای حقیقی خود به کار رفته است، زیرا کسی که نسبت به آیات خدا کافر می‌شود، یعنی از حریم و دستورات الهی خارج شده همان طور که خرما از پوستش خارج می‌شود.]

همچنین علامه فسق را در آیه ﴿الْحَجَّ أَشْهَرُ مَعْلُومَاتٍ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ...﴾ (بقره: ۱۹۷)، به معنی دروغ و معنای حقیقی گرفته‌اند. (همان، ۷۹) و این معنا را با توجه به روایت امام صادق علیه السلام که فرمودند: «فَلَا رَفَتْ وَلَا فُسُوقَ...»، «رفت» به معنای جماع و «فسوق» به معنی دروغ است، به دست آورده‌اند. (همان: ۸۵)

ج) حياء: ﴿فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ﴾؛ یکی از آن دوزن که با حالت شرمگین راه می‌رفت به سوی موسی آمد. (قصص: ۲۵)

«حیاء» از ریشه «حیی» بوده، این ریشه دارای دو معنای اصلی است:

۱. خلاف موت، به معنای زندگی؛

۲. ضد وقاحه، به معنای شرم است. (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۲/۳۳۵)

علامه کلمه «استحیاء» را در آیه به عفت و نجابت معنا کرده است. یعنی یکی از دختران شعیب با عفت و نجابتی که از راه رفتنش پیدا بود نزد حضرت موسی علیه السلام آمد. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۶/۱۶)

طبرسی در مجمع البیان نیز «استحیاء» را به معنای شرم گرفته، یعنی با حیایی که رسم زنان با شرم بود نزد موسی علیه السلام آمد؛ اما بعضی به معنای پوشاندن صورت با

آستین معنا کرده‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳۸۸/۷) [که با سیاق و ظاهر آیه که «تمشی علی استحياء» است، همخوانی ندارد. از طرفی رفتن این کلمه به باب استفعال باعث شده که معنای طلب در آن ظهور پیدا کند و بتوان معنای «خواهان شرم و عفت شد و این شرم و حیاء در او ظهور پیدا کرد» را هم برایش تصور کرد.] (صفایی، ۱۳۸۷: ۲۱۹/۴)

ه) بلاء: ﴿.... بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ﴾؛ در این‌ها از جانب پروردگارتان آزمایش بزرگی بود. (بقره: ۴۹ و ۱۴۱؛ ابراهیم: ۶)

علامه معنای «بلاء» را در هر سه آیه، امتحان بیان کرده و نوشته است «در این وقایع، بلا و محنت (امتحان) بزرگی از ناحیه پروردگارتان بود». (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۱/۱۲)

۹.۴. مجاز

«مجاز» در اصطلاح عبارت است از کلمه‌ای که در غیر معنای موضوع‌له و اصلی خودش استعمال شود. (مشکینی، ۱۳۴۸: ۱۱۵)

معنای مجازی می‌تواند مجرای چند معنایی باشد. این استعمال به خاطر پیوند و مناسبتی که بین معنای حقیقی و مجازی وجود دارد و همراه با قرینه‌ای است که مانع اراده‌ی معنای وضعی آن می‌شود. بنابراین، امکان استعمال چندین معنای مجازی برای یک لفظ که هر یک غرض خاصی را دنبال می‌کنند وجود دارد و این امر، دامنه لغات مشترک را زیاد می‌کند.

أ) قلب: ﴿خَتَمَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ وَعَلَىٰ سَمْعِهِمْ وَعَلَىٰ أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾. (بقره: ۷)

«قَلْبُ الشَّيْءِ» یعنی برگرداندن و وارونه کردن چیزی از رویی به رویی دیگر. «قَلْبُ الثَّوْبِ»، یعنی برگرداندن پارچه و قَلْبُ الْإِنْسَانِ، یعنی برگرداندن انسان از راه و اندیشه‌ای به راهی و اندیشه‌ای دیگر. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱/۶۸۱)

درباره قلب انسان گفته شده است به دلیل تغییر و دگرگونی حالات قلب به این اسم، نامیده شده است. (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۵/۱۷۲)

معنی دیگری هم برای «قلب» آمده است که از آن تعبیر به روح، نفس و عقل می‌شود. (ابن منظور، ۱۴۰۵: ۶/۶۸۶؛ فیومی، ۱۴۱۴: ۵۱۲/۲)

«قلب» به معنی نفس و روح: ﴿لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا كَسَبَتْ قُلُوبُكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ﴾؛ خدا شما را به سوگندهای بیهوده بازخواست نمی‌کند، ولی به آنچه دل‌هایتان مرتکب شده مواخذه می‌نماید و خدا آمرزنده و بردبار است.

«قلب» در این آیه دلالت بر نفس و روح آدمی می‌کند. (مُدْرک واقعی، قلب است، ولی اعضاء، مثل چشم و گوش و... ابراز درک هستند)، لذا ادراکاتی مانند حب و بغض و حسد و عفت و... را هم به قلب نسبت می‌دهند و هم به نفس، سپس این مجازگویی آن قدر ادامه پیدا می‌کند تا اینکه لفظ قلب را بر نفس اطلاق می‌کنند.

با این توضیحات، در آیه مورد بحث، جمله ﴿وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا كَسَبَتْ قُلُوبُكُمْ﴾ دارای مجاز عقلی است، زیرا ظاهر کلمه «لکن» که اعراض از سوگند لغو به سایر سوگندها است، این است که باید سایر سوگندها را ذکر می‌کرد، ولی در آیه ذکر نکرده است، بلکه اثر شکستن آن سوگند را که همان گناه است، ذکر نموده و این خود مجاز عقلی است و اشاره است به اینکه خداوند فقط با قلب انسان‌ها کار دارد. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲/۲۲۵-۲۲۳)

علامه طباطبایی درباره کلمه «قلب» می‌گوید:

«قلب» همان عضو معروف است، اما در قرآن غالباً مورد استعمال آن درباره وسیله ادراک انسان و آن چیزی است که به واسطه آن عواطف باطنی مانند حب و بغض، آرزو و نگرانی آن را بروز می‌دهد؛ در حقیقت قلب همان نفس انسانی است که با قوا و عواطف باطنی تجهیز شده است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۴۶/۹)

ب) اشتراء: ﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالََةَ بِالْهُدَىٰ فَمَا رَبِحَتْ تِجَارَتُهُمْ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ﴾. (بقره: ۱۶)

«بیع» به معنای «فروختن» و «شراء» به معنی خریدن است و هر کدام به جای دیگری نیز به کار می‌رود. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲/۳۲۲) این دو واژه، جزو واژگان اضداد هستند. (ابن منظور، ۱۴۰۵: ۱۴/۴۲۸)

«اضداد» به واژگان مشترکی گفته می‌شود که بر دو معنای متضاد دلالت می‌کنند، به گونه‌ای که اجتماع آن‌ها بر یک شیء واحد صحیح نباشد، مانند واژه «قُرء» که هم‌زمان هم بر معنای پاکی و هم ناپاکی دلالت می‌کند. سیوطی «اضداد» را یکی از انواع لفظ مشترک دانسته است. (سیوطی، بی تا: ۱/ ۳۸۷)

«اشتری» در آیه ۱۱۱ سوره توبه به معنای خریدن به کار رفته است؛ ﴿إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ﴾.

حقیقت معنای خرید و فروش در مورد خداوند شایسته نیست، زیرا مشتری و خریدار آنچه را در ملک و تصرف او نیست، خریداری می‌کند، در حالی که خداوند مالک تمام چیزهاست، لیکن منظور در این آیه از لفظ «خریدن» برای تأکید پاداش است و این تعبیر از باب مجاز می‌باشد. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۵/ ۱۱۳)

علامه نیز این وعده خداوند را در قالب تمثیل می‌داند و بیان می‌کند که خداوند وعده بهشت را به خرید و فروش تشبیه کرده است که خود خدا خریدار، مؤمنین فروشنده، جان و مال آن‌ها کالای مورد معامله و بهشت را قیمت و کتاب‌های تورات و انجیل و قرآن را سند معرفی کرده است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۹/ ۳۹۵)

یکی از مهم‌ترین محورهای بررسی پژوهش‌های قرآنی، کشف و تبیین دقیق معنای واژگان در آیات الهی است تا بدین طریق، فهم و دریافت گزاره‌های دینی، صحیح انجام گیرد. این فهم با بررسی واژه‌ها در سوره بقره با محوریت المیزان کاملاً بارز و مشهود بود، مخصوصاً با ظرافت‌هایی که علامه در پیدا کردن معنای صحیح واژگان به کار برده است.

نتیجه‌گیری

دانش چند معنایی (وجوه و نظایر) یکی از مباحث علوم قرآنی است که راه احتمال را در فهم معنای قرآن باز کرده و گاهی باعث به اشتباه افتادن عده‌ای و گاهی باعث دستاویز قرار دادن برخی از فتنه‌جویان به منظور شبهه‌افکنی در معنای و مفاهیم پاره‌ای از واژه‌ها و آیات قرآن شده است. بنابراین، آشنایی با وجوه و احتمالات یک ضرورت برای وارد شدن به عرصه‌ی فهم معنای قرآن است. این پژوهش با هدف

دستیابی واژگان چند معنا در سوره بقره انجام شد و معلوم شد که «وجوه»، همان معانی کاربردی هریک از الفاظ در آیات قرآن است.

این معانی حقیقی یا مجازی و یا استعاری و کنایی و یا به صورت مشترک لفظی می‌باشند. در توضیح این مطلب بیان شد، به دلیل وجود اشتراک معنوی و لفظی، حقیقت و مجاز، کنایه و استعاره در زبان عربی و دلایل دیگر، چند معنایی به وجود می‌آید، البته در مورد چند معنایی در قرآن بین اندیشمندان اختلاف نظر وجود دارد، بنابراین پژوهشگران علوم قرآنی حتماً باید از وجوه و معانی واژگان و موارد استعمال آن‌ها که اغلب در کتب وجوه و نظایر ذکر شده، آگاهی داشته باشند، ولی از آنجایی که دانش «وجوه قرآن»، ضابطه‌ای برای بیان معانی مورد نظر ارائه نداده است، از این رو، صحت و سقم معانی موجود در کتب وجوه باید در درون و سیاق آیات محک زده شود و با جستجو در کتب لغت، استمداد از روایات و در نظر گرفتن شرایط صرفی و نحوی معنای کلمه به دست آید.

در آخر با بررسی واژه‌ها در سوره بقره با محوریت تفسیر المیزان مشخص شد که واژگان در آیات مختلف با توجه به بافت و دیگر عوامل تأثیرگذار، دارای معانی متفاوتی می‌شوند؛ البته تحلیل واژگان به دست آمده محدود به اطلاعاتی شد که علامه ارائه داده بودند، در غیر آن، تک تک این واژگان می‌توانند در ابعاد مختلف مورد تحلیل و بررسی قرار گیرند.

منابع و مأخذ:

- قرآن کریم
- ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد (۱۳۶۷)، النهایه فی غریب الحدیث و الأثر، مصحح: طناحی، محمود محمد، چاپ چهارم، قم: موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- ابن عاشور، محمد بن طاهر (بی تا)، التحریر و التنویر، چاپ اول، بیروت: مؤسسه التاریخ.

- ابن فارس، احمد (۱۴۰۴)، معجم مقائیس اللغه، چاپ اول، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن منظور، لسان العرب (۱۴۰۵)، ج ۱۰، بی‌جا: نشر ادب حوزه.
- باطنی، محمدرضا (۱۳۷۸)، زبان و تفکر، چاپ هفتم، تهران: نشر آگاه.
- پاکتنچی، احمد (۱۳۹۲)، ترجمه شناسی قرآن کریم، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- تفتازانی، مسعود بن عمر (۱۴۲۴)، المطول، چاپ اول، قم: انتشارات امام المنتظر علیه السلام.
- تفلیسی، حبیب بن ابراهیم (۱۳۶۰)، وجوه قرآن، چاپ چهارم، تهران: بنیاد فرهنگی قرآن.
- تهبانوی (۱۹۹۶م)، کشف، اصطلاحات الفنون و العلوم، ج ۲، چاپ اول، بیروت: بی‌نا.
- جعفری، یعقوب (۱۳۷۷)، «ضرورت شناخت وجوه و نظایر در ترجمه قرآن کریم»، مجله ترجمان وحی، شماره ۴.
- جلال‌الدین عبدالرحمن سیوطی (۱۳۹۲)، ترجمه الاتقان فی علوم القرآن، سید مهدی حائری قزوینی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- خرمشاهی، بهاء‌الدین (۱۳۷۷)، دانشنامه قرآن و قرآن‌پژوهی، چاپ اول، تهران: انتشارات دوستان.
- خمینی، سید مصطفی (۱۴۱۸)، تحریرات فی الاصول، چاپ اول، قم: مؤسسه عروج.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغت‌نامه دهخدا، ج ۱۳، چاپ دوم، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، محمد بن حسین (۱۴۱۲)، مفردات الالفاظ القرآن، چاپ اول، بیروت: دارالقلم.
- ربانی، محمد حسن (۱۳۸۰)، «نقش سیاق در تفسیر»، فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، شماره ۲۷ و ۲۸.
- رجیبی، محمود (۱۳۹۳)، روش تفسیر قرآن، چاپ ششم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- زرکشی، محمد بن بهادر (۱۴۱۰)، البرهان فی علوم القرآن، بیروت: دارالمعرفه.
- سبحانی، جعفر (۱۳۶۳)، تهذیب الاصول، تقریر امام خمینی علیه السلام، قم: مؤسسه نشر اسلامی.

- ستوده‌نیا، محمدرضا و همکاران(۱۳۹۲)، «بررسی تطبیقی سباق از دیدگاه قرآن‌پژوهان معاصر»، فصلنامه علوم قرآنی، شماره ۱۵.
- سلوی محمد الحوا(۱۳۸۲)، بررسی زبان شناختی وجوه و نظایر در قرآن، ترجمه سید حسین سیدی، مشهد: به نشر.
- سیوطی، جلال‌الدین(بی‌تا)، المزهرة فی علوم اللغة و انواعها، بیروت: دار احیاء الکتب العربیه.
- صباغ، محمدبن لطفی(۱۴۰۸)، بحوث فی اصول التفسیر، بیروت: المکتب الاسلامی.
- صفایی، غلامعلی(۱۳۸۷)، ترجمه و شرح مغنی الأدیب، چاپ هشتم، قم: قدس.
- طباطبایی، سید محمد حسین(۱۴۱۷)، المیزان فی تفسیرالقرآن، چاپ پنجم، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- طباطبایی، سید محمد حسین(بی‌تا)، حاشیه الکفایه، قم: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی.
- طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن(۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیرالقرآن، چاپ سوم، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- طریحی، فخرالدین(۱۳۶۷)، مجمع البحرین، تحقیق سیداحمد حسینی، بی‌جا: مکتب نشر الثقانة الاسلامیه.
- طیب حسینی، محمود(۱۳۸۸)، چند معنایی در قرآن کریم(درآمدی بر توسعه دلالت‌های قرآنی، چاپ اول، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- العاملی، ابومنصور جلال‌الدین الحسن بن زین العابدین(۱۴۱۰)، معالم الدین، چاپ چهارم، بی‌جا: مکتبه آیت الله العظمی مرعشی نجفی.
- عرفان، حسن(۱۳۸۲)، تهذیب البلاغه، چاپ اول، بی‌جا: محدث.
- عمادی الهیاری، زهرا(۱۳۹۵)، بررسی تطبیقی قواعد تفسیر در «المیزان» و «التحریر و التتویر»، رساله دکتری رشته علوم قرآن و حدیث.
- الغزالی، ابی حامد محمدبن محمد(۱۴۱۳)، المستصفی، چاپ سوم، بیروت: [بی‌نا].
- فراهیدی، خلیل بن احمد(۱۴۰۹)، العین، چاپ دوم، قم: نشر هجرت.
- فیومی، احمد بن محمد(۱۴۱۴)، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، چاپ دوم، قم: مؤسسه دارالهجره.

- کوثری، عباس (۱۳۹۴)، فرهنگنامه تحلیل وجوه و نظائر در قرآن، چاپ اول، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- مشکینی، علی (۱۳۴۸)، اصطلاحات الاصول، چاپ دوم، قم: بی‌نا.
- مصطفوی، حسن (۱۴۳۰)، التحقيق في كلمات القرآن الكريم، چاپ سوم، بیروت: دارالکتب العلمیه/ مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.
- مظفر، محمدرضا (۱۴۳۶)، المنطق، کاظمین: مؤسسة الامام الجواد علیه السلام للفکر والثقافه.
- معرفت، محمد هادی (بی‌تا)، التمهید، قم: موسسه نشر اسلامی.
- معینی کوهی، فخری و هادی حجت (۱۳۹۳)، «اشتراک لفظی در قرآن کریم و تأثیر آن بر اهم ترجمه‌های معاصر فارسی قرآن»، کتاب و سنت، شماره ۳.
- هاشمی، سید احمد (بی‌تا)، جواهر البلاغه، چاپ اول، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
- همایی، غلامعلی (۱۳۹۳)، واژه‌شناسی قرآن مجید، چاپ چهارم، قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی علیه السلام.
- همایی، غلامعلی (۱۳۹۵)، درسنامه مفردات قرآن، چاپ پنجم، قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی علیه السلام.

